

تربیت کریمانه در انسان شناسی اسلامی

محمد نجفی: عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

زهره متقی: دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان

چکیده

تربیت کریمانه که شیوهی خاص ارتباطی بین مربی و متربی در انسان شناسی اسلامی بوده و از مهم ترین عوامل موثر در نظام های حقوقی و اخلاقی قلمداد می گردد، مورد توجه این مقاله است. ضرورت توجه به روابط بین مربی و متربی بر اساس اهداف تعلیم و تربیت از یک سو و تمایل ذاتی و فطری به کسب کرامت و حفظ عزت نفس و احساس ارزشمندی از سوی دیگر، تعلیم و تربیت را به این روش تربیتی خاص سوق می دهد تا این احساس را در متربی بیدار و استمرار آن را تضمین کند. این روش با محور قراردادن کرامت و پیامدها و کاربرد آن، میتواند در تحکیم و توسعهی شخصیت متربی از طریق بزرگ مداری و تقویت عزت نفس، موثر بوده و خود مبنایی بر تربیت و اهداف آن در زندگی فردی و اجتماعی باشد. در همین راستا و با هدف آشنایی با تربیت کریمانه، این مقاله ضمن بررسی مفهوم کرامت و جایگاه و ضرورت آن در انسان شناسی اسلامی، ابتدا به تبیین پیامدها کرامت نفس به عنوان یک روش تربیتی پرداخته و سپس به شیوه های ظهور و تقویت آن در نظام تربیتی می پردازد. این روش تربیتی می تواند در زندگی فردی و اجتماعی متربی تاثیر گذار باشد.

واژه های کلیدی: تربیت کریمانه، کرامت نفس، تعلیم و تربیت

مقدمه

یکی از مهم ترین مباحث مطرح در حوزه معرفتی و تربیتی انسان، مساله کرامت انسان و جایگاهی است که در نظام اخلاقی و حقوقی برای او در نظر گرفته شده است. مروری بر نظام تربیتی و حقوقی و اخلاقی مکاتب و جوامع مختلف، معرف میزان توجه و ارزش گذاری به جایگاه شأن و مقام انسانی، انسان است. در این توجه و ارزش گذاری که به صورت همسان برای همه افراد جامعه به صرف انسان بودن لحاظ می گردد، هیچ گونه امتیاز مادی، موقعیت اجتماعی و پست و مقام و ثروت تعیین کننده نیست. این ارزش به چیزی ورای این ملاکها تعلق می گیرد و آن احترام به نفس و ذات انسانیت است؛ آنچه در مقدار و میزان این ارزش گذاری تفاوت ایجاد می کند، نوع انسان شناسی و تعریفی است که هر مکتب از انسان ارائه می دهد که با نگاه به این تعریف انسان و موشکافی آن می توان به جان مایه فکری و فلسفی و جهان بینی آن پی برد. در این تعریف های رنگارنگ و گوناگون، به کوشش هایی برای ارج نهادن به بشر و ارزش او بر خورد می شود که در پوششی از اندیشه گری و رمز آفرینی گنجانده شده است (رشاد، ۱۳۸۰: ۲۴۵)؛ اما در بین این مکاتب، جایگاه انسان و ارزش گذاری به او در اسلام ویژه بوده و از یک انسان شناسی عمیق نشأت می گیرد که در آن انسان از ویژگی های بسیار متمایزی برخوردار است که به احسن المخلوقین خطاب شده و در واقع آن گونه که قرآن انسان را ترسیم نموده، در هیچ جایی به چنین نحوی، جنبه های برجسته و چرایی کرامت انسانی در نظر گرفته نشده و تکرار نگردیده است و علت بیان آن بطور مکرر با تعابیر مختلف تأکید بر این اصل تربیتی است که خود آگاهی و توجه به برتری انسان و گوهری ارزشمندی که در خود دارد، او را به دلیل حب ذات، به حراست و پاسداری از کرامت و عزت خویش فرا می خواند و به سوی ارزش های متعالی و تربیتی سوق می دهد. ضرورت این کرامت، در مهم ترین گوهری که خداوند متعال به انسان داده و سر تعظیم همه فرشتگان بر آن فرود آمده، نهفته است، همان ویژگی خاص که خشوع و خضوع در برابر آن نشانه بندگی بوده و شیطان را از محضر الهی اخراج و محروم می کند. در این دیدگاه

کرامت انسانی زنجیره اتصال به کرامت خدایی بوده و امنیت داشتن، کوشش، پند پذیری و در میدان ارزش‌ها بودن را به همراه دارد و فرجام کسی که کرامت انسان را نادیده می‌انگارد و با انسان‌ها با تکبر و به طور ناشایست رفتار می‌کند، رانده شدن از محضر الهی است. این تأکید به حدی است که در واقع ضرورت کرامت، ضرورت خلقت به شمار می‌رود تا آن جا که حفظ و ظهور آن از رسالت‌های مهم پیامبران الهی، از اهداف نظام تعلیم و تربیت و جزء وظایف نظام‌های حقوقی و منشأ نظام اخلاقی به حساب آمده و دیدگاه نظام تعلیم و تربیت اسلامی درباره کرامت و منزلت انسان بازتاب اندیشه‌های قرآنی و آموزه‌های پیامبر است و از طرفی، این آموزه اخلاقی و حقوقی به گونه ای کلی و نه جزئی، در برگیرنده برابری حقوق بوده و کلی سازی این اصل اخلاقی، مصالح و منافع دیگران و همه انسان‌ها را نیز در بر می‌گیرد (رشاد، ۱۳۸۰: ۲۵۵). لذا از مهم ترین محورها در تعلیم و تربیت، الهی رسیدن انسان به کرامت نفس است که در تمام شئون تعلیم و تربیت انسان باید این احساس خود ارزشمندی ایجاد گردد و با توجه به محوریت انسان، تبیین عناصر این نوع از تعلیم و تربیت بررسی نظریه‌پردازی در خصوص همین عطیه خاص انسانی را که شیوه نگرش به آن در شیوه زندگی فردی و اجتماعی انسان بسیار تاثیر گذار است را می‌طلبد؛ بر این اساس تعلیم و تربیت در راستای اهداف رسالت پیامبران و در راستای ابعاد مختلف انسانی گام برمی‌دارد و در جهت تجلی شخصیت انسانی و عزت نفس و حرکت به سوی رشد فردی و اجتماعی و رسیدن به کمال، به مبانی و اصول و روش‌های تربیتی که زمینه حفظ کرامت نفس و استقلال فرد و اعتماد نفس را فراهم می‌کند، توجه دارد.

مفهوم شناسی و تعریف کرامت

کرامت از ریشه کرم و به معنی سخاوت، شرافت و عزت به کار می‌رود. در زبان پارسی برای واژگان کریم، کرامت و کرم، بزرگوار، ستوده، گرامی‌داشته شده، بزرگانه، گرامی‌کرده، آزاده و بخشیده آمده است. برای فعل این واژه در باب تفعیل (تکریم)، واژگان بر کشیدن، برگزیدن، گرامی‌کردن، گرامی‌داشتن و بزرگی دادن به کار رفته است. از دیگر معانی کاربردی برای

کرامت مفهوم سخی و سخاوت‌مند است که آن نیز از بزرگواری سرچشمه می‌گیرد؛ چنانچه در قرآن کریم اشاره شده است که: «همانا پروردگارم بی‌نیاز و سخاوت‌مند است»^۱ (نمل، آیه ۴۰). در این جا، صفت بزرگواری و بخشندگی با پروردگاری و بی‌نیازی پروردگار جهان هم‌خوان و سازگار است؛ اگر انسان با واژه «کریم» ستوده شود، این واژه، نامی برای اخلاق و کردارهای پسندیده‌ای است که از او سر می‌زند. تا هنگامی که از کسی بخشش، بزرگواری و بزرگ‌منشی پدیدار نشود، به او کریم، یعنی بزرگوار و گرانمایه نمی‌گویند (رشاد، ۱۳۸۰: ۲۴۲). البته در رابطه با لقب حضرت امام حسن مجتبی (ع) هم که به کریم اهل بیت معروف است، همین سخاوت مورد نظر قرار گرفته است. کرامت در مفهوم عزت از بیش‌ترین کاربرد تربیتی برخوردار است و مقابل آن صفت ذلت و لثامت قرار می‌گیرد که در رابطه با زندگی حضرت امام حسین (ع) که سراسر آن ناشی از اعتقاد به اهمیت کرامت نفس است، نیز در این معنی به کار می‌رود؛ اگر واژه «کرم» را برای وصف خداوند بزرگ به کار بریم، نامی برای نیکی‌ها و لطف‌های آشکار و پیدای پروردگار جهانیان است. همان‌طور که بیان شد در آیه ۴۰ از سوره نمل «پس، همانا پروردگار من بی‌نیاز بخشیده است»، کریم به معنای بخشیده و بزرگوار آمده است؛ یعنی بخشش و بزرگواری پیدا و نمودار پروردگار «هر چیز والا و بالایی در زمینه خود به کرم (بزرگ‌منشی، گرانمایگی، بزرگواری و ارجمندی) ستوده و وصف می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۰۷). در سوره واقعه آیه ۷۷، برای قرآن صفت کریم^۲، به معنی راهنمایی، بیان، دانش و فرزاندگی به کار رفته است (ابن منظور، ۱۳۶۳: ۵۱۳) سفارش خداوند در قرآن به فرزندان در رابطه با پدر و مادر و رفتار، کریمانه، بزرگوارانه و ارجمندانه و نوع سخن گفتن نیز با مفهوم کریم بیان گردیده است^۳ (اسراء، آیه ۲۳). واژگان «اکرام» و «تکریم» به معنای بخشش، بزرگواری و نیکویی رساندن به

^۱ -.... فان ربي غني كريم

^۲ - انه لقرآن كريم

^۳ - قل لهما قولا كريما

انسان است و از فعل «کرم»، یعنی بخشندگی، دست و دل بازی، سودمندی و کریم بودن گرفته شده است و این صفت «کریم» یکی از ۹۹ نام زیبایی خداوند است. در قرآن واژگان اکرام و تکریم و برگرفته‌های آن ذکر شده، ولی خود واژه کرامت نیامده است (رشاد، ۱۳۸۰: ۲۴۳). برای مثال، در این آیه «همانا گرامی‌ترین شما پرهیزگارترین شما است»^۱، واژه اکرام به معنی بزرگواری، بزرگ منشی و ارجمندی، همان شریف‌ترین و گرامی‌ترین کار و کردارهای پسندیده و نیکو است که برای خدا، انجام می‌گیرد و هر کس با کنش‌ها و کردار نیکویش، بزرگوارانه آن را انجام می‌دهد، پرهیزگار و پارسا است؛ بدین سان، گرامی‌ترین و بزرگ منش‌ترین مردم، پارساترین و پرهیزگارترین آنان است. واژه کرامت که در دوران اجتماعی به سطح مواردی مانند شرافت خانوادگی و ثروت و تبار و حتی مردگان تنزل پیدا کرده بود، در مکتب تربیتی اسلام با ملاک تقوا به جایگاه شریف انسانی ارتقاء یافت و به این ترتیب به مفهومی گسترده، جان دار، پویا و فراگیر، انقلابی تبدیل شد (نهج البلاغه، ۱۳۲۶، خطبه ۹۴: ۱۱۶).

تنوع در معانی و کاربردهای متفاوت واژه کرامت، تعاریف مختلفی را به همراه دارد؛ گاهی کرامت را به کارهای فراعادت و معجزه آسایی که از اولیا خدا سر می‌زدند، تعبیر می‌شود. در تعریف دیگر، کرامت به شأن و منزلت داده شده به آن دسته از کسان که از نظر اخلاق و منش در جایگاه بلندی ایستاده اند و داری زندگی موثر و مفید بوده اند و دست اندرکار شرافت مندانه و بزرگ منشی بوده اطلاق می‌گردد و از جان گذشتگی‌های شهیدان و آزادگان و حماسه سازان جهان در سراسر تاریخ بشری، در این رده جای می‌گیرد؛ گاهی نیز منزلت و کرامت در رابطه با انسان به اعتبار اینکه موجوداتی با اراده و مختارند، به کار می‌رود. در بعضی منابع کرامت در رابطه با وضعیت این جهانی و زمینی فرد به کار رفته و در موارد زیادی هم در رابطه با بها و ارزش اخلاقی به کار می‌رود (رشاد، ۱۳۸۰: ۲۴۴) اما در تعریف حقوقی، کرامت در کنار ذات و نفس

۱- ان اکرمکم عندالله اتقیکم

به معنی یک حقّ طبیعی و مهم و درونی برای همه انسان‌ها است که در یک زندگی مطلوب بر اساس اصول انسانی باید حفظ گردد؛ از این جهت انسان در نظام حقوقی با مقررات حقوقی پیوند و وابستگی قابل توجهی داشته و منظور آن است که همه‌ی انسانها در هر سن و جایگاه ویژه، به احترام انسانی نیاز دارند که خود نمی‌توانند از آنها برخوردار شوند و باید در زندگی اجتماعی تامین شود و همه موظف به رعایت آن هستند. پایین‌ترین مرحله کرامت در بحث حقوقی آن، یک رفتار خوب و یک برخورد مناسب است که در حفظ شخصیت و شان انسانیت فرد ارائه می‌شود؛ به این ترتیب همه‌ی انسان‌ها در این اصل هم سان و مشترک هستند؛ همین که انسان است، در خور احترام و برخورداری از داشتن این حقوق است و هیچ دلیلی مانند تبار و میزان ثروت و حتی عملکرد ناشایست نمی‌تواند این حق را سلب کند و حتی مجرمین در آخرین حد مجازات کیفری هم باید مجازات شوند اما نباید آنها را از کرامت و احترام شخصیت محروم کرد؛ در این معنی، کرامت جایگاه خاص در تعلیم و تربیت و ارتباطات انسانی دارد و یادآوری و خود آگاهی از آن در رابطه با وظایف اجتماعی تعلیم و تربیت است؛ چرا که وظیفه تعلیم و تربیت، پرورش انسان برای جامعه نیز هست.

اما در تعریف اخلاقی، کرامت چون ملاک بها و ارزش و اهمیت اخلاق درونی و ذاتی انسانی است. منشأ نظام اخلاقی قلمداد می‌شود (مرادی، ۱۳۷۹: ۴۵۹)؛ لذا کرامت از دستاوردهای اخلاقی بعثت پیامبر اکرم و همه پیامبران است و تمام ارزش‌ها در حفظ و ظهور کرامت انسانی، زنده می‌شود. در اسلام، پیامبر اکرم (ص) علاوه بر تلاش بر احیای کرامت و اخلاق نیک خود به عالی‌ترین درجه آن آراسته بود؛ زیرا کسی که به پاسداری از ارزش‌های اخلاقی برمی‌خیزد، ناگزیر باید به گرامی‌ترین جامه کرامت و منزلت آراسته باشد. جایگاه پیامبر بهترین جایگاه‌ها و زمینه‌ی رویش ارجمندی و کرامت و مهد پاکیزگی و پاکدامنی به شمار می‌رود (رشاد، ۱۳۸۰: ۲۵۳). در این تعریف نیز چون کرامت، دربردارنده دستورات اخلاقی است، از جمله مسائل مورد

بحث در تربیت کریمانه منش انسانی به شمار می‌رود و از طرفی همین جنبه اخلاقی و تاثیرات کرامت و ظهور آن در روند رشد روحی و معنوی متربی بعنوان یک حق ذاتی مورد توجه و اهداف نظام تعلیم و تربیت به حساب می‌آید.

ضرورت تجلی کرامت انسان

در این قسمت در رابطه با آنچه سبب جایگاه ویژه انسان در بین تمام مخلوقات میشود بحث می‌شود و در واقع هدف آن است که دلایلی که انسان را شایسته این حق و کرامت می‌کند، بررسی گردد؛ گذشته از توجه به نیازهای ذاتی، علت‌های متفاوتی را قرآن و روایات برای این نگاه ویژه بیان می‌کند.

ضرورت قرآنی و روایی: از مهم ترین دلایل این نگاه ویژه به انسان، گوهر وجودی انسان است که او را در بین دو جایگاه، مقامی بالاتر از فرشتگان و یا حرکت تا مرز حیوانیت قرار می‌دهد. در آیات قرآن به این مطلب اشاره شده که انسان این همه عظمت و شوکت را مرهون نعمت اراده و اختیاری است که هستی بخش عالم به او عطا کرده است. اگر این اختیار او را در مسیر صحیحی هدایت نماید، انسان به بالاترین درجه کمال می‌رساند و اگر این شخصیت در معرض آسیب‌ها قرار داده شود، احسن تقویم را به «ثم رردناه اسفل السافلین» می‌کشاند (طاهری، ۱۳۸۴: ۶۴). در تعبیر دیگر، تکریم انسان به دادن عقل است که به هیچ موجود دیگری داده نشد و انسان به وسیله آن خیر را از شر و نافع را از مضر و نیک را از بد تمیز می‌دهد، مسائل دیگری مانند نطق و خط و تسخیر موجودات دیگر بر عقل انسان متفرع می‌شود؛ به این معنی تفضیل انسان بر سایر موجودات به این است که از آن چه که به آنها داده، سهم بیشتری به انسان داده است (طباطبایی، ۱۳۶۳) روح الهی نیز منشاء و ضرورت دیگر کرامت انسان از دیگر

موجودات است: خداوند متعال، انسان را به عنوان نوع کریم معرفی می‌کند و می‌فرماید: «ما آدمی‌زادگان را گرامی داشته ایم»^۱ (اسراء، ۷۰).

نقطه تمایز بین انسان و سایر موجودات و عامل خضوع و خشوع و سجده‌ی فرشتگان در برابر انسان، به خاطر کرامت به این گوهر است. امام علی(ع)، پس از بیان نحوه‌ی خلقت انسان از سوی خالق یکتا، می‌فرماید: آن‌گاه خداوند سبحان از فرشتگان خواست که به پیمان خویش عمل کنند و بر وصیت الهی گردن بگذارند و در برابر کرامت انسانی، به نشانه‌ی خضوع و خشوع سجده آورند. پس به آنان گفت: «در مقابل آدم به سجده درآید...» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳). آنچه فرشتگان به سجده و تعظیم در برابر آن مکلف شدند، گوشت و پوست و استخوان انسان نبود، بلکه «کرامت انسانی» بود و موجودی که در برابر این کرامت سر تعظیم فرود نیاورد، از درگاه الهی رانده و دشمن خدا قلمداد شد: «... پس همگی بی‌هیچ استثنایی سجده‌اش کردند، جز ابلیس» که کبر ورزید و با تکیه بر اصل و نژاد برترش بر آدم فخر فروخت و به دام تعصب افتاد. چنین بود که ابلیس دشمن خدا، پیشوای متعصبان و نیای مستکبران شد (ابی یعقوب، ۱۹۷۰). از طرفی بار امانت الهی و مقام خلافت الهی که بر عهده اشرف مخلوقین قرار گرفت، بر ضرورت این کرامت افزوده است؛ زیرا هیچ موجودی به مقام خلیفه الهی نرسیده و قابلیت پذیرش این امانت را ندارد و این دلیل دیگری برای سجده فرشتگان بود و خداوند با راندن ابلیس از درگاه خود، فرجام کسی که کرامت انسان را نادیده می‌انگارد و با او به طور ناشایست رفتار می‌کند، را تعیین کرد؛ چرا که شخصیت خود و دیگران را کوچک و ناچیز شمردن کاری شیطانی است. این ویژگی‌های خاص انسانی که مورد تاکید قرآن و روایات است بهترین علت برای ضرورت تجلی کرامت است؛ چرا که بدون آن انسان در مسیر وظایف و رسالت‌ها و اهداف خلقت خود قرار نمی‌گیرد و مفهوم انسانیت انسان در گرو آن است.

^۱ - و لقد کرّمنا بنی آدم

ضرورت ذاتی و فطری: از طرف دیگر، کرامت جزء نیازهای ذاتی و فطری انسان است، حتی انسانهای بی دین نیز به این اصل احترام گذاشته و خواستار آن هستند؛ شاید به همین دلیل است که از مهم ترین مباحث در مسائل تربیتی انسان و درمان آسیب‌های روانی آن همین نیاز فطری است؛ ضرورت و نیاز ذاتی انسان به عزت نفس و کرامت در روانشناسی نیز مطرح است؛ بالاترین نیازهای انسان، نیاز به عزت نفس و احترام و نیاز به خودشکوفایی است که سطح تعالی و درجه کمال او را می‌سازد و انسان نیازمند ظهور و حفظ آن است تا به سطح کامل تر و متعالیه تر اراده برسد و الا در سطح انسانهای کوچک، نیازهای کوچک و حقیر باقی می‌ماند.

ضرورت عقلانی: یکی از اصلی ترین ابهاماتی که در بحث کرامت نظام اسلامی برای انسان مطرح است، از یک طرف تأکیدات قرآنی و روایات و دستوراتی است که انسان را به مبارزه با خود و مجاهده نفس توصیه می‌کند و از طرف دیگر انسان را در جایگاه ارزشمند قرار داده و او را به حفظ عزت و کرامت نفس خود و دیگران ملزم می‌کند. پاسخ این ابهام در گونه‌های خودی است که در خلقت انسان وجود دارد.

در واقع امر، میان این دستورات تناقضی وجود ندارد. انسان دارای دو نوع «خود» است؛ آن خودی که خوب دیدن آن عجب و بزرگ دیدن آن کبر است و خواستن آن خودخواهی و مذموم است و باید با آن جهاد کرد و به آن به چشم یک دشمن نگریست و با تمایلات آن باید مبارزه کرد، خود حیوانی و طبیعی انسان است و اما آنچه یک گوهر نامیده شده و ضرورت عزتمندی آن واجب شده، خود ملکوتی و انسانی است که نفخه ای از روح الهی و پلی است که او را به کرامت الهی پیوند می‌زند (کار گزار، ۱۳۸۷: منبع الکترونیکی). خودی که آدمی را شایسته برداشتن بار (امانتی الهی) ساخته که آسمان‌ها و زمین‌ها و دیگر پدیده‌ها و آفریده‌ها از برداشتن آن سرباز زده اند و خمیرمایه ای که به او قابلیت (ولقد کرّمنا بنی آدم) را داده و گوهری که (احسن

تقویم)، (احسن الخالقین) نام گرفته است^۱، همین خود ملکوتی است. این خودهای متفاوت در واقع مدارج نفس هستند. این درجات شخصیتی، در قرآن با مراتب، (نفس اماره) (نفس لوامه) و (نفس مطمئنه) مشخص شده و جایگاه و ارزش هر کدام مشخص شده است؛ هر چه انسان به مرتبه بالای نفس بیشتر نزدیک باشد، به مفهوم کرامت و عزت نزدیک تر شده و هرچه از این مرتبه پایین تر رود، این رشد روانی و روحی و نگرش متعالی خود را از دست می‌دهد. تفاوت این دو « خود » در تأثیراتی است که در زندگی او باقی می‌گذارد، نگرانی، تشویش و درگیری و دشمنی در انسان و جامعه‌های انسانی، ریشه در (خود) حیوانی دارند. آرامش، اطمینان، سلامت روان، نوع دوستی، ایثار انصاف و ریشه در (خود) الهی و ملکوتی دارد و در واقع شخصیت اصلی و گوهر وجودی او در این خود نهفته است؛ در واقع انسان به حسب آن درجه عالی خود میان خود با افراد دیگر من و مایی نمی‌بیند ولی وقتی که به درجات دانی و طبیعی خود می‌رسد، به حکم ضیق و تزاممی که در طبیعت هست، هر منی خود به خود برای حفظ و بقاء خویش کوشش می‌کند و طبعاً دیگران را نفی می‌نماید (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۴۵). من حیوانی در انسان طفیلی و من اصیل نیست، من اصیل در انسان همان من ملکوتی است، آن درجه عالی من انسان است و من حیوانی، درجات پایین آن است. (مطهری، ۱۳۶۶: ۱۶۹). ظهور این گوهر در خود اصیل است که بحث کرامت را مطرح می‌کند و نظام تعلیم و تربیت در واقع باید شرایط توسعه و ظهور این خود و عزتمندی آن را فراهم نماید تا انسان به خود اصیل و ریشه داری دست یابد، که در ژرفای وجود آدمی قرار دارد و سکوی پرش آدمی به سوی کمال است.

آیا کرامت نفس ذاتی است یا اکتسابی؟

کرامت از دو جنبه قابل بررسی است: یکی کرامت عمومی که حق ذاتی و مدنی همه‌ی انسان‌ها است. مقصود از کرامت ذاتی آن است که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که در مقایسه با

^۱ - سوره (بقره) آیه‌های ۳۳ - ۳۴.

برخی موجودات دیگر از لحاظ ساختمان وجودی امکانات و مزایای بیشتری دارد یا تنظیم و ساختار امکاناتش به شکل بهتری صورت پذیرفته و در هر حال، از دارایی و غنای بیشتری برخوردار است. (رجبی، ۱۳۸۵: ۱۵۵). در تقسیم دیگری این کرامت به نام کرامت طبیعی نیز تعبیر شده است کرامت طبیعی انسان آن است که همه انسان‌ها، بی استثنا از آن برخوردارند. همین که انسانند، کرامت و منزلتی طبیعی دارند. قرآن آشکارا در آیه ۷۰ سوره اسراء، به این کرامت اشاره کرده است (رشاد، ۱۳۸۰: ۲۵۳). مظاهر کرامت طبیعی انسان در قوه، عقل، آزادی اراده و اختیار و سایر ویژگی‌های متمایز او از موجودات دیگر است و وجود استعدادها و فراحوانی و روح جاودانه انسان نیز از موارد کرامت ذاتی و هستی شناختی انسان به شمار می‌آید. در واقع این نوع کرامت ناشی از توجه ویژه خداوند به انسان است. این شایستگی‌های ذاتی و استعدادها و انسانی که موضوع رسالت پیامبران است، از شرافت گوهر وجودی انسان و روح الهی دمیده شده در او سرچشمه گرفته است و در آیاتی از قرآن در سوره مبارکه تین آیه ۴، مومنون آیه ۱۴ و اسراء آیه ۷۰، به آن اشاره شده است. دسته دوم از کرامت که انسان از آن برخوردار است کرامت اکتسابی است: «مقصود از کرامت اکتسابی دستیابی به کمال‌هایی است که انسان در پرتو ایمان و اعمال صالح اختیاری خود به دست می‌آورد. این نوع کرامت، برخاسته از تلاش و ایثار انسانی و ملائک تقرّب در پیشگاه خداوند است. با این کرامت است که می‌توان واقعاً انسانی را بر انسان دیگر برتر دانست» (رجبی، ۱۳۸۵: ۱۵۵). در این کرامت که اختیاری است، دست‌یابی انسان به کمالات و ویژگی‌هایی که با اختیار و اراده‌ی انسان حاصل می‌شود، منظور و ملائک است و بر خلاف کرامت تکوینی که در وجود انسان‌ها نهفته بود، این کرامت با سعی انسان در مسیر کمال حاصل می‌شود؛ در حقیقت این کرامت که انسان را بین دو طرفی مخیر می‌سازد که مقصد متفاوتی دارند. تعبیر دیگری که برای این کرامت استفاده شده، «کرامت انسانی الهی است که عبارت است از شرف و حیثیت و ارج و ارزشی که با کوشش و خواست خود انسان به دست

می‌آید. این کرامت موجبات تفاوت‌های رفتاری برای انسان‌ها فراهم می‌آورد و هر انسانی را با درجات مختلف شایسته احترام و بزرگ داشتن می‌کند و در دو گروه اخلاقی قرار می‌دهد. آنچه این دو گروه را از هم جدا می‌کند، میزان استفاده آنها از عقل و مدارج اخلاقی و روحی و اختیار در مسیر رشد است. تنها معیار در این نوع کرامت در نزد خداوند، تقواست و راه رسیدن از تقوا می‌گذرد. این کرامت در بین همگان یکسان نیست و کرامت ذاتی مقدمه‌ای برای رسیدن به کرامت اکتسابی بوده و لذا کرامت ذاتی فاقد ارزش اخلاقی ولای کرامت اکتسابی است ولی حقوق حقه همه انسانها است. (رشاد، ۱۳۸۰: ۲۵۰). البته همه انسان‌ها، استعداد رسیدن به این کمال و کرامت را دارند ولی برخی به آن دست می‌یابند و برخی از آن بی‌بهره می‌مانند از این رو آیاتی که به کرامت اکتسابی انسان پرداختند یا آیات هستند که امکان وجود این کرامت را بیان می‌کنند و یا امکان عدم آن را از جمله این آیات آیه ۱۳ سوره حجرات: «به راستی که گرامی‌ترین شما در پیشگاه خداوند، با تقواترین شماست» (حجرات، ۱۳)، دال بر این کرامت و آیه ۲ سوره عصر^۱ و آیه ۱۹ و ۲۱ سوره معارج^۲، نفی این کرامت را تذکر می‌دهد (رجبی، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

آثار تربیتی کرامت نفس

همان‌طور که اشاره شد، ظهور و حفظ کرامت نفس از مهم‌ترین دستاوردهای پیامبران و وظیفه مریبان است. این بحث همیشه در نظام تربیتی انسان مطرح بوده از تربیت الهی آغاز می‌شود و سپس تمام انبیا را خداوند به عنوان اولین مریبان و حافظان کرامت مأموریت داد تا به واسطه تعلیمات و آموزش‌های آنها عزتمندی را به فرزندان آدم بر گرداند. این رسالت هم شامل ظهور و تجلی کرامت ذاتی یا طبیعی و تکوینی است و هم حرکت انسان به سوی کرامت الهی اکتسابی را در برمی‌گیرد. با این بیان هرکس که در مقام تعلیم و تربیت قرار گیرد، به پیروی از پیامبر و ائمه

^۱- ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا...

^۲- ان الانسان خلق هلو عا... الا المصلين

واسطه پل ارتباطی بین کرامت انسانی به کرامت الهی است، در بحث تربیتی کرامت نفس به بعضی از کارکردها و آثار تربیتی آن اشاره می‌شود.

۱. استفاده از کرامت نفس به عنوان یک روش تربیتی

هدف نظام‌های تربیتی در این حیطه آن است که انسانی را تربیت کند که برای خود ارزش قائل بوده و از شرف و عزت دیگران در هر مقام و جایگاهی محافظت کند و از خود در مقابل هر پستی، محافظت و به ذلت خواسته‌های بی ارزش تن ندهد. به نظر می‌رسد در روشی که در آن مربی، مرتبی را در این مسیر قرار داده و در او ایجاد کرامت نفس می‌کند، همه این اهداف حاصل می‌گردد؛ پس احساس کرامت به عنوان محور بوده و اگر مرتبی احساس کرامت نفس کرد، در واقع خوب تربیت خواهد شد و هرگز تن به ذلت و پستی شهوات و گناه نمی‌دهد؛ در غیر این صورت، این فرد برای خود ارزشی قائل نیست که از آن محافظت و یا برای توسعه آن تلاش کند؛ از طرف دیگر در روش تربیتی احیا کرامت نفس فرصت انتخاب و گزینش به مرتبی باعث ایجاد اعتماد به نفس و احساس امنیت شده و سلامت روانی مرتبی را به دنبال دارد و در واقع احترام متقابل و تعامل اجتماعی موفق از تاثیرات این روش تربیتی است. در این روش تربیتی، آموزش و بهداشت و هر چیزی که در حفظ انسان از آلودگی‌های جسمی و روحی موثر باشد، ارزش توجه و رعایت را داشته و اجباری در آن مطرح نیست. با کاربرد این روش در تربیت، این کارکردها را در مرتبی ایجاد می‌کند.

۱-۱) اولین نقشی که از کاربرد تربیت کریمانه، در زندگی انسان انتظار می‌رود عملکرد آن به عنوان زیر بنای حرکت به سوی مدارج عالی انسانی در حرکت تکاملی انسان است. در واقع انسان با شناخت مرتبه ارزشی خود، انگیزه حرکت به سوی قرار گرفتن در جایگاه ارزشی خود را می‌یابد. دلایل بسیاری مطرح است که مبنا بودن کرامت نفس را در زندگی متعالی انسانی ثابت میکند حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «کسی که دارای کرامت نفس باشد شهوات در پیش او بی

ارزش خواهند بود»^۱ (فیض السلام (۱۳۲۶:۴۴۹) در جای دیگر می‌فرماید: «کسی که برای خود ارزش و کرامت قائل باشد خود را به معصیت و گناه، زبون و خوار نمی‌کند»^۲ (برازش ۱۳۷۶: باب ۴۱). در نامه ۳۱ نهج البلاغه می‌فرماید: «نفس خود را از پستی گرامی بدار؛ هر چند تو را بدانچه خواهی رساند؛ چه آنچه را از خود بر سر این کار می‌نهی هرگز به تو برنگردد». دقت در این موارد این نکته را برای مربیان و متولیان امر تعلیم و تربیت یادآوری می‌کند که اساس ترقی و تکامل انسان به حساب می‌آید و در این وادی کرامت نفس به عنوان یک روش تربیتی ضمن تأمین این هدف می‌تواند هم یک مبنای تربیتی و هم یک اصل مهم تربیتی را فراهم نماید و این جایگاه با توجه به تأثیراتی است که این احساس در زندگی فردی متربی دارد.

(۲-۱) تربیت کریمانه به خودشناسی متربی کمک می‌کند؛ پی بردن به ارزش و عظمت کرامت نفسی که در نهاد انسان به ودیعه گذارده شده، یکی از مهم ترین مراحل خودشناسی است. انسان تا هنگامی که به توانایی‌ها و قابلیت‌های ذاتی خود پی نبرد و به گوهر ارزشمند کرامت خود واقف نشود، نمی‌تواند در مسیر تکامل و تعالی گام بردارد و آن قابلیت‌ها و کرامت نفسانی را به فعلیت برساند. حضرت علی(ع) در خصوص معرفت انسان به خود می‌فرماید: «خود انسانی گوهری ارزش مند است اگر آدمی درست آن را پاس بدارد، سربلندی و سرفرازی می‌یابد و اگر آن را ارج نهد، به پستی و پلشتی گرفتار آید»^۳ (محمدی ری شهری، ۱۳۶۳، ج ۱۲۵: ۱۰). بی تردید، گرفتاری انسان در دام دنیا و ظواهر زندگی مادی، با هدف خلقت الهی و کرامت والایی که خداوند با دمیدن روح خود در انسان، آن را در نهاد بشر به ودیعت نهاد، ناسازگار است. خودشناسی، این امکان را برای شناخت این ناهماهنگی‌ها فراهم می‌کند، آن‌گاه انسان پی می‌برد که ارزش و عظمت کرامت انسانی و هدفی که انسان برای آن خلق شده است، بسیار بالاتر است از

۱- من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته

۲- من کرمت علیه نفسه لم یهنها بالمعصية

۳- ان النفس لجوهره ثمينة من صانها رفعها و من ابتذلها وضعها

اینکه آن را در مقابل دنیا و خواسته‌های بی ارزش از دست بدهد. در این میان از دست دادن بهشت و نعمت‌های او حداقل بها برای کرامت نفس و به دست آوردن کمال انسانی در رضایت خداوند معادل ارزشی است که می‌توان برای آن قائل شد. این خود شناسی و معرفت به نفس و ارزش آن ریشه الهاماتی اخلاقی و هدایت انسان به مسیر تکامل است. وظیفه‌ی نظام‌های تعلیم و تربیت آن است که مربی را به «خود» شناسی و شناختن «خود» اصیل و روح الهی اش ترغیب و او را از حسّ شرافت و عزّت خود برخوردار کند و تا به خواسته‌های سطحی و پست تن در ندهد و مهارت تشخیص نیاز واقعی خود را به او بیاموزد. آنچه گاهی مربی را از مسیر اصلی خارج و مدت زمان زیادی از عمر او را صرف تلاش در مسیر کسب خواسته‌های ناهماهنگ با شخصیت اصلی او می‌کند، همین عدم مهارت در داشتن خواسته درست است و به همین دلیل در پایان مسیر دچار پوچی و خلأ روانی می‌گردد.

۳-۱) در روش تربیت کریمانه احساس کرامت بعنوان یک کنترل کننده و عامل انضباط درونی مطرح است.

انسان تحت تربیت و مبادی به شئون اخلاقی انسانی نیست که تنها با کنترل بیرونی و از طریق مقررات، قوانین و وجود پلیس و نهادهای حقوقی کنترل می‌شود؛ بلکه این انسان دارای یک عامل کنترلی درونی است که او را در جمع و خلوت از پستی و زشتی دور می‌کند. آنچه این کنترل کننده قوی را ایجاد می‌کند، احساس کرامت نفس است. کرامت انسانی در او خصلت‌هایی ایجاد می‌کند که او را وادار می‌کند در هر شرایطی خود را از لثامت دور و در هر مقامی به دیگران و حقوق آنها احترام بگذارد. پایه‌ی شخصیت انسان کامل در پیدایی و آشکارشدگی خصلت‌های انسانی ساخته می‌شود و آدمی متخلّق به اخلاق الهی می‌گردد؛ بنابراین اگر مربی بخواهد تا یک انسان رشد یافته در ابعاد اجتماعی و فردی را پرورش دهد، باید این عامل کلیدی را در اولویت روش تربیتی خود قرار می‌دهد. کرامت نفس، محور ظهور

استعدادهای انسانی است و این نکته منشأ تمام این خصلت‌ها و محرک انسان است هر مکتبی که بتواند دست روی نقطه‌ای بگذارد که با دست گذاشتن روی آن نقطه تمام استعدادهای وجود انسان هماهنگ با یکدیگر و بدون افراط و تفریط به حرکت در آیند، آن مکتب جامعی خواهد بود و در اخلاق اسلامی، محور و آن چیزی که روح اخلاقی محسوب می‌شود، آن نقطه‌ای از روح انسان که اسلام روی آن دست گذاشته است (برای احیاء اخلاق انسانی)، کرامت و عزت نفس است (مطهری، ۱۳۶۶: ۱۱۶). پرورش منش و شخصیت سالم از نظر روانی در سایه کرامت نفس احساس ارزشمندی و اهمیت از یک سو و جلوگیری از آلوده شدن در ورطه بدی‌ها و امور نفسانی از سوی دیگر سبب پرورش یک انسان با منش متعالی می‌گردد. نظام‌های تعلیم و تربیت باید در سایه این احساس، خودباوری و اعتماد به نفس را در انسان زنده و با برخورداری از بلند نظری و احترام و گذشت به دیگران از کینه به دور کند. این رفتار سبب دوری از بی‌هدفی و آشفتگی شده و انسان را تحت یک حمایت روانی ناشی از کرامت الهی از بهداشت جسمی و اخلاقی و روحی و روانی برخوردار می‌کند. «از کسی که خودش نزد خودش خوار است بترس» (مطهری، ۱۳۶۶: ۱۰).

۴-۱) تربیت کریمانه، در دستیابی متربی به زندگی اجتماعی متعالی موثر است. از کار کردهای مهم در کرامت نفس، تاثیر گذاری در زندگی اجتماعی است؛ یک جامعه‌ی عزت مند در سایه پرورش روح کرامت نفس افراد آن به دست می‌آید؛ در این جامعه، عزت مردم باعث استقلال و پیشرفت جامعه و روح جهاد و دفاع می‌شود و در این جامعه هر شخص با هر پایگاه اجتماعی و مقام به عنوان یک انسان دارای حقوق مدنی همسان با دیگری است و هیچ کس اجازه هتک حرمت او را حتی اگر در بدترین شرایط جرم و اخلاق باشد را ندارد و ملاک خواسته‌های معنوی و رفتار با دیگران، شخصیت الهی و خود ملکوتی افراد است. متربی برای پرورش یک شهروند

^۱ - من هانت علیه نفسه فلا تأمن شره.

کامل و ایجاد هویت مذهبی و فرهنگی و ایجاد زمینه‌های خود باوری و عدالت اجتماعی به توجه به کرامت نفس احتیاج دارد. این زمینه‌ها باعث سلامت جسمی و روانی انسان شده و تعلیم و تربیت را با محوریت تکریم به انسان به ارتباط با خود به گونه‌ای که جسم و روح را از ظلم و آسیب حفظ کند و ادار می‌کند و سلامت روان و نظام یافتن غرایز و همت عقل و نفس مطمئنه که از این کرامت حاصل شده خود موجب می‌شود تا کرامت انسان را در مسیر تکاملی توسعه و افزایش دهد. « (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۴۵ و ۳۴۷).

۵-۱) تربیت کریمانه در ایجاد بینش اخلاقی عمیق موثر است؛ چراکه کرامت نفس پایه‌ی نظام‌های اخلاقی به شمار می‌رود. تأکید کرامت نفس بر ارزشمندی نفس و یادآوری جایگاه عالی انسان است؛ وقتی انسان به این نوع درون‌نگری و خودشناسی نائل شود و شرافت و کرامت خویش را احساس کرد، دیگر تن به پستی و ذلت که با نهاد الهی او در تقابل است نمی‌دهد و مواردی مانند دروغ، تهمت، فحشا، نفاق را در شأن خود نمی‌بیند، حضرت علی (ع) می‌فرماید: «(خود) انسانی گوهری ارزشمند است؛ اگر آدمی درست آن را پاس بدارد، سربلندی و سرفرازی می‌یابد و اگر آن را ارج نهد، به پستی گرفتار می‌شود»^۱ و این ارتباط با خود ملکوتی، ریشه‌ی همه برتری‌ها و الوایی‌ها و زیبایی‌های اخلاقی شده و این خود پیوند با خدا است که باعث می‌شود تن به پستی نداده، و خود را به علم حضوری درک کند» (مطهری، ۱۳۶۶: ۸۴). در عین حال همین ارتباط باعث می‌شود از هر رذیلت اخلاقی که او را از خدا دور می‌کند، حذر می‌کند؛ بنابراین تربیت کریمانه در پرورش انسان‌های با ویژگی‌ها و مشخصات خاص اخلاقی است، موفق است؛ لذا همه‌ی نظام‌های تعلیم و تربیت در راستای پرورش متربی خوب با خصلت‌های انسانی باید در او اخلاق حسنه را پرورش دهد و برای سوق دادن انسان به سوی ارزش‌های عالی انسانی باید به او در احیای کرامت ذاتی نفس و تحریک آن کمک کند. در این مسیر متربی درک می‌کند که این

^۱ - ان النفس لجوهرة ثمينة من صانها رفعها و من ابتذلها وضعها

سرمایه فقط در سایه خود ارزشمندی و خود نگهداری حفظ می‌شود و در پرتو خداشناسی تثبیت می‌گردد.

از مهم ترین موارد این تأثیرات اخلاقی می‌توان به مواردی مانند دوری از عجب و غرور و ایجاد حس قدردانی و تشکر در انسان و بخشش و بزرگواری است. اگر چه شناخت جایگاه انسان در خلقت الهی مایه مباهات است؛ برخلاف انتظار راه‌گزینی از عجب و غرور نیز هست. کرامت انسانی به حدی ارزشمند است که امر خداوند بر تعظیم مقابل آن صورت گرفت و فرشته ای که از تعظیم خودداری ورزید، مورد خشم و غضب الهی قرار گرفت و از درگاه الهی رانده شد. انسانی که با کرامت والای انسانی، هنوز هم در این جهان شایسته اکرام و احترام است و هر گاه کسی به این شایستگی منحصر به فرد انسان بی حرمتی کند و کرامت نفس آن را حفظ نکند و بر آن خدشه وارد سازد، سرنوشتی بهتر از ابلیس نخواهد داشت. مربی که بتواند چنین دیدی را در متریب ایجاد کند تا خود را ملاک برای رفتار با دیگران قرار دهد، عجب و خودپسندی را نیز رفع می‌کند؛ زیرا می‌داند که همه در این شرافت یکسان اند؛ اگرچه این شرافت با تقوا قابل افزایش و پرورش است.

شکر گذاری و تربیت انسان شاکر و قدردان از آثار دیگر این روش تربیتی است؛ زیرا از ویژگی‌های انسان کریم النفس، شناخت ارزش‌ها و استفاده صحیح از استعدادها از یک سو و تلاش برای رسیدن به آن جایگاهی است که خداوند برای او در نظر گرفته است؛ از سوی دیگر که هر دو از مهم ترین مصادیق شکرگزاری به حساب می‌آید. بخشیدن گناه و خطای دیگران و صبوری و احسان از فضایل انسان کریم است و انسان کریم را وادار می‌کند تا در بالاترین مقام و قدرت ببخشد و با بخشیدن و احسان مال لذت ببرد و بر جایگاه خود بیفزاید. امیر المؤمنین در غررالحکم و درر الکلم بر همین اساس می‌فرماید که: «کریم کسی است که به احسان کردن پیشی می‌گیرد». موارد زیادی از این قبیل تأثیرات اخلاقی در بحث تربیت کریمانه قابل طرح است

سادگی و صداقت در تعامل و ارتباط از نتایج کرامت نفس و علتی بر موفقیت انسان‌های کریم در زندگی اجتماعی است. وقتی انسان بزرگ منشانه با دیگران روبرو می‌شود، از مکر و حيله و دو رویی خود داری می‌کند. از امیر المؤمنین در غررالحکم و دررالکلم نقل شده است که فرمود: «انسان کریم روشن و آشکار است و انسان لئیم پیچیده» (بحار الانوار، ۱۳۸۳: ۲۰۸). پای بندی به عهد و پیمان و پایبندی به هر نوع قانون که توافق صحیحی بین انسان‌ها است و در آن حفظ حقوق دیگران مطرح باشد، از نتایج کرامت نفس است؛ زیرا اساساً کریم خود را در مظان سرزنش دیگران قرار نمی‌دهند؛ لذا وفای به عهد از کرم کریمان است.

۱-۶) تربیت کریمانه در تربیت اعتقادی نیز موفق است و ارتباط بین این دو متقابل است؛ زیرا کرامت محور ایمان و ایمان محور کرامت بوده و ظهور ایمان از کارکردهای مهم کرامت نفس است؛ از آنجا که شاخص کرامت ایمان است، نقش موثری در ایجاد و حفظ آن دارد. ایمان محور برای انسان با کرامت است. ایمان که مفهومی گسترده در فطرت و ذات پاک انسانی داشته و با روح و نهاد او رابطه ای مستقیم دارد، به انسان ابعاد چند گانه می‌بخشد و هیچ جوهری مانند ایمان نمی‌تواند به انسان کرامت ببخشد و با ایجاد زمینه فضیلت خواهی و تقوا گرایی و رحم و مروت خواهی آن را حفظ کند.

۱-۷) تحوّل گرایی در تربیت کریمانه حاصل می‌شود و از مشخصات مهم انسان با کرامت است؛ اگر چه کرامت از بدو تولد در انسان وجود دارد؛ اما بخش تحصیلی و اکتسابی آن با خود تحولی و فعلیت قوای و استعدادها و فضیلت‌ها به دست می‌آید؛ به شرط اینکه در مسیر درست قرار گیرد؛ اگر انسان در پی تحصیل کرامت نباشد، نفس او به فرومایگی خواهد افتاد.

۱-۸) عقل گرایی، یکی از محورهای مهم در این شیوه تربیتی است که به عنوان یک شاخص مهم در سنجش و ارزیابی نظام‌های تعلیم و تربیت مطرح است. در مسیر هدایت عقل بودن و هدفمندی زندگی، از خصوصیات انسان کریم النفس و امانت دار است. این امانت داری که در

هر مورد و به هر معنی اطلاق گردد، خود از تأثیرات تجلی کرامت است. یکی از مهم ترین این امانات، نعمت عقل، نعمت عمر است که انسان نباید آن را ضایع نماید؛ بلکه بایستی این مواهب الهی را نگهداری کرده و در مسیر تکامل قرار داد. کرامت نفس انسان را وادار می‌نماید تا با استفاده از عقل، فزونی و شرایطی را بوجود آورد تا بر جامعه و زندگی فردی خود نظارت کرده و ایجاد نظام نماید و در اداره اجتماع تدابیری بیاندیشد.

۹-۱) خویشن داری، از آثار تربیتی دیگری است که کرامت در انسان ایجاد می‌کند. از ویژگی‌های برای اهل کرم، مالکیت هوای نفس است؛ چراکه او بر زبان، غضب و امیال خویش تسلط دارد. از امام صادق (ع) نیز نقل شده است که فرمود: «سه چیز گواه کرم مرد است: خوش خویی، غلبه بر خشم و چشم پوشی» (بحار الانوار، ۱۳۸۳:۲۳۲) خوش خویی و خوش اخلاقی از آثار دیگر کرامت است؛ انسان کریم خوش خو و نرم است و در مقابل خواهش دیگران از قضاوت صحیح و نرمی برخوردار می‌کند و قساوت و خشونت از مشخصات انسان‌های لئیم و یاناشی از عقده‌هایی است که از خود کم بینی ناشی می‌گیرد. از امام حسن عسگری (ع) نقل می‌شود که: «کریم هنگامی که با خویشتن مواجه شود، نرم می‌شود و انسان لئیم هنگامی که مورد لطف قرار می‌گیرد، قساوت به خرج می‌دهد؛ زیرا انسان کریم، انسانی ساده و از پیچیدگی‌ها و دو روی‌ها و داشتن نیت‌های به دور است» (بحار الانوار، ۱۳۸۳: ۴۱). در حدیث دیگری حضرت علی (ع) می‌فرمایند که «نرم خویی از اکرام است.» (بحار الانوار، ۱۳۸۳: ۲۰۸).

۱۰-۱) ایجاد عزتمندی و جایگاه اجتماعی در گرو کرامت نفس حاصل می‌شود؛ لذا در واقع در تربیت کریمانه به انسان شیوه کسب عزتمندی و پایگاه اجتماعی آموزش داده می‌شود. کرامت نفس، در انسان جایگاه خاص، حرمت و آبرو ایجاد می‌کند؛ او نه تنها خود را شایسته اکرام می‌داند، هر انسانی را نفخه روح الهی می‌بیند و در حفظ شأن و آبروی او می‌کوشد.

۲- شیوه‌های ظهور و نیل به کرامت نفس

از آنجا که اصل کرامت انسانی ذاتی است، آنچه در رابطه با دستیابی به کرامت نفس بیان می‌شود، منظور عواملی است که باعث بیدار باش انسان در مقابل آن و توسعه آن با حرکت در مدارج و مراتب کمال است برای یک نظام تعلیم و تربیت در ایجاد این حس باید موارد ذیل در مرتب‌ی بصورت ملکه رفتاری تعریف و ایجاد تا این مرتبه حاصل گردد:

۲-۱) مهارت نظام مندی غرایز و خواسته‌ها سبب ظهور کرامت نفس می‌شود. انسان با کنترل و مالکیت نفس خود بر این مهارت می‌افزاید و هر چه این تسلط بیشتر شود، بر کرامت انسان می‌افزاید این انسان با پالایش خویش و اندوختن آگاهی جلوتر می‌رود: «فرزندم، حسن جان، نفس خود را از هر آنچه پست و پستی است (منزه کن) بزرگ و کریم و محترم بدار، نفس خود را بزرگتر و مهم تر از آن بدان که سراغ خواسته‌های دون شأن انسانی خود بروی»^۱ (فیض الاسلام، ۱۳۲۶: ۴۶).

۲-۲) ایجاد حساسیت و تعصب نسبت به نفس انسانی و تاکید بر غیرت به آن از راه‌های موثر دیگر است. امام علی (ع) با انگشت گذاشتن روی غیرت متری، وی را به شرافت و کرامت نفس خود متوجه کرده و از رذائل و پستی‌ها مصون نگه می‌دارند که البته با تعصب نابجا مانند عملکرد شیطان متفاوت است و اگر تعصبی هم هست باید بر تقوا و عبادتی که حافظ کرامت است باشد (رشاد، ۱۳۸۰: ۲۵۰).

۲-۳) داشتن مهارت ارتباط مناسب با دیگران که در این میان ارتباط کلامی از اهمیت خاصی برخوردار است. ارتباط کلامی در دو حالت موجب تحقیر و ازین رفتن عزت نفس می‌گردد. در حالت اول، زبان چابک‌پس است که انسان را در حالت ذلت و خفت شخصیتی قرار می‌دهد در واقع، مهم ترین آفت عزت نفس انسان، تملق و تملق‌گرایی است و یا اینکه زبان بر انسان مسلط و

۱- اكرم نفسك عن كل دنیه: و ان ساقطك الرغائب فانك لن تعترض بما تبدل من نفسك عوضا

جایگزین عقل و هوشمندی گردد. امام علی (ع) می‌فرماید: «کسی که زبانش را بر نفس خود امیر کند و اختیارات نفس را در دست زبان بسپارد، حقیر خواهد شد»^۱ (فیض الاسلام، ۱۳۲۶: حکمت ۲-۱). بنابراین آموزش کنترل زبان از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که انتظار می‌رود مربی در یک نظام تربیتی بیاموزد.

۲-۴) احترام متقابل: از دیگر مواردی که در بحث ارتباط صحیح مطرح است، احترام به حقوق و کرامت انسانی است که احترام شخص را به دنبال دارد؛ اگر رفتار فرد با دیگری، رفتاری مبتنی بر تکریم و احترام بوده و شأن انسانی در آن حفظ شود و یا شیوه‌ای مبتنی بر اهانت و بی‌احترامی باشد، میزان کرامتی که شخص برای خود قائل است را بازگو می‌کند. در این میان هر گونه رفتاری که خارج از ضوابط ادب و تکریم شخصیت باشد و موجب شرمندگی و عذرخواهی گردد، از این کرامت می‌کاهد. امام علی (ع) می‌فرماید: «بپرهیز از کاری که نهایتاً مجبور به عذرخواهی بشوی»^۲ (فیض الاسلام، ۱۳۲۶: نامه ۳۳، فراز ۳)

۲-۵) حفظ عدالت در روابط اجتماعی در ارتباط، در نیل و حفظ کرامت تأثیر گذار است. ستم و تبعیض نشأت گرفته از تحقیر و بی‌اعتبار ساختن انسان‌ها است؛ در حالی که اگر انسان به دور از مشخصه‌های اعتباری یا قراردادی و نژاد و رنگ و با دیده کرامت ذاتی و اکتسابی مورد نظر قرار گیرد، در داوری و قضاوت به اصل برابری و عدالت توجه داشته و هیچ کس مورد تحقیر قرار نخواهد گرفت؛ بسیاری از عقده‌های روانی که زمینه‌های آسیب فردی و اجتماعی را فراهم می‌کند، ناشی از تحقیر کرامت انسانی است.

۲-۶) پرورش رفتارهای تقویت‌کننده کرامت نفس از عوامل نیل به کرامت نفس است. بعضی از اصول اخلاقی در ارتباط اجتماعی نیل به کرامت نفس را تقویت می‌کند. از جمله این موارد تقوی است که باعث حفظ انسان از هر آلودگی و پستی می‌شود (فیض الاسلام، ۱۳۲۶:

^۱ - هانت علیه نفسه من امر علیها لسانه

^۲ - و ایاک و مایعتر منه

حکمت ۱۰۹، فراز ۴). از دیگر موارد مهم در حفظ کرامت نفس است حفظ حرمت خود و رازداری و عدم اظهار درخواست و گرفتاری است، خواستن، زمینه ذلت است و حرمت شخصیت انسان را بر هم زده و آن گوهر را از جایگاه بلند خود به پایین می کشد (فیض الاسلام، ۱۳۲۶: خطبه، ۸۵، فراز ۱۱). امام علی (ع) فرموده است: «آبروی تو، جامد است و با سؤال و درخواست، قطره قطره می ریزد. بنگر که قطرات آبرو را پیش چه کسی می ریزی» (فیض الاسلام، ۱۳۲۶: حکمت ۳۴۶)؛ لذا در نظام تربیتی باید به متربی آموزش داد که با قناعت خود از عزت خود محافظت کند. حضرت امیر (ع) است که فرمود: «قناعت، عزت می آورد».^۲ از فضایل دیگر که در این باره باید پرورش یابد اراده محکم و همت قوی است، این دو عامل مقاومت و حفظ انسان را از تسلیم در برابر خواسته های نفسانی و خفت خواهش ها از دیگران حفظ می کند. امام علی (ع) فرمودند: «بزرگواری نتیجه همت قوی است»^۳ (آمدی، ۱۳۳۷، ش ۱۴۷۷: ص ۳۸۳).

۷-۲) پاسداشت کرامت و آزادی انسان در سیاست و قوانین اجتماعی نیز الزامی است. تحقق کرامت انسانی و فعلیت بخشیدن به جلوه های آن در زندگی از نتایج یک نظام تعلیم و تربیت صحیح است. به لحاظ اجتماعی بودن انسان، کرامت انسانی باید در جوامع عزتمند تحقق و تجلی پیدا کند. از طرفی آزادی، عامل رشد شخصیت انسان است و راه جلوگیری از خدشه دار شدن کرامت انسان است؛ لذا حفظ حرمت انسانی، از الزامات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حقوقی جامعه است. استقلال و خود باوری فرهنگی و هویت انسان کامل و برخورداری از هدفمندی با کرامت در سطح جامعه بدست می آید؛ لذا حفظ حرمت انسانی و تکریم شخصیت انسان باید از اهداف استراتژیک نظام سیاسی و محور سیاست گذاری در جوامع بوده به گونه ای سیاست

۱- ماء وجهك جامد تقطره السؤال، فانظر عند من تقطره؟

۲- القناعة تؤدي الي العز

۳- الكرم نتیجه علو الهمة

گذاری و تصمیم‌گیری شود که زمینه‌های تحقیر و بی‌احترامی به شخصیت انسانی به کلی از بین برود.

نتیجه‌گیری

یکی از چالش‌های مهم جوامع در رابطه با افزایش آمار رفتارهای ضد ارزش اخلاقی فردی و اجتماعی مانند: خودکشی، جرم و جنایت، اعتیاد، امور خلاف اخلاق عدم توجه به اصل کرامت نفس است. این در حالی است که حفظ و ارزش‌گذاری به حقوق انسانی و عزت نفس به عنوان یکی از اهداف مهم حیطه عاطفی در نظام‌های آموزشی مطرح بوده و در این مقام پیامبر یک مربی کامل است. از سوی دیگر، اصل کرامت یکی از مفاهیمی است که در فرهنگ اسلامی با تأکید بسیار به کار رفته و از ارزش‌هایی است که باید مورد توجه خاص قرار گیرد؛ چرا که شناخت دقیق آن و کشف رابطه اش با سایر عناصر تربیتی یک نیاز است و باید در راه اعمال شیوه‌های تحقق و گسترش آن تلاش شود. دقت در آثار و جایگاه اصل کرامت نفس در تدوین انسان که از خدوند آغاز می‌گردد و در نبوت الهی تبلور یافته، نیاز به استمرار و توجه خاص در تعلیم و تربیت را یادآور می‌کند؛ لذا اصل، کرامت که حافظ بسیاری از ارزش‌های الهی و انسانی است و توجه به آن و پاسداری از حریم آن از وظایف مهم مسلمانان چون در مقابل عواملی مانند جهل زدگی و انحراف از فطرت انسانی و غفلت و فساد زدگی، بی‌توجهی به نقض قانون شخصیت انسانی و پذیرش ذلت‌پذیری در برابر دشمنان، از خود بیگانگی و پذیرش باورهای غلط قرار می‌گیرد که هر کدام می‌تواند در به سقوط کشاندن انسان نقش موثری داشته باشد (طاهری، ۱۳۸۴: ۶۳). احتیاج به حمایت در نظام‌های تعلیم و تربیت دارد تا در تجلی آن و جلوگیری از خدشه دار شدن آن بکوشند، این امر که انسان کریم حافظ شئون انسانی و نظام اجتماعی بوده و انسان لئیم، بزرگترین آسیب برای اجتماع است اصل کرامت را به یک نیاز در تربیت اجتماعی تبدیل

می‌کند. تربیت کریمانه انسان شناسی دینی، در روانشناسی با عنوان حرمت خود^۱ یا عزت نفس مطرح شده و به عنوان یک نیاز تربیتی قلمداد شده است. این تأکید خود برهانی است بر اینکه اولاً توجه و کاربرد تربیت کریمانه از وظایف الزامی نظام تعلیم و تربیت است و دوم اینکه مدیران، رهبران، والدین، مربیان و معلمان نیز باید هم خود کریم النفس باشند و مرتباً را به کرامت دعوت کنند و به او تفهیم کند که در این تربیت نتایج خاصی است که بدون آن اهداف زندگی متعالی امکان پذیر نیست. در جامعه عزتمند و در مسیر تکامل نه تنها سیستم رسمی تعلیم و تربیت باید در تربیت انسانهای کریم و حفظ کرامت انسانی بکوشد؛ حتی دست اندرکاران سیاسی جامعه، نیز باید توجه متولیان تربیت و آموزش را به این امر مبذول نمایند؛ چراکه اجتماع انسانی، نیاز به نظامی دارد که در آن انسان‌ها با حفظ حقوق دیگران و احترام به همدیگر، به سوی تکامل فردی و جمعی حرکت می‌کنند. در استفاده از این روش تربیتی این نکات مورد توجه است:

- انتخاب اهداف مدرسه بر اساس و متناسب با کرامت انسان و در شان او بطوری که زمینه رشد و کمال انسان را فراهم آورد و در همه مراحل حرمت انسانی او باید حفظ شود.
- رفتار اولیاء امر تعلیم و تربیت باید متناسب با ارزش و کرامت انسانی بوده و تکریم آمیز باشد و با رفتار خود به مرتب‌ترین بیاموزد که او ارزشمندترین قدر و منزلت و ارزش وجودی را دارد.
- ایجاد فضای گرم و دل‌گرم کننده انسان را از آلوده شدن به گناه و لثامت نفس دور می‌کند؛ لذا فضای آموزشی با محبت و بدون تبعیض دانش آموز را از دست زدن به امور غیر اخلاقی برای برخورداری از شرایط خاص بر حذر می‌دارد. ایجاد شرایط روحی و فضای مناسب از وظایف نظام تعلیم و تربیت است.
- دانش آموزان را در برنامه‌های مختلف آموزشی به خصوص در بحث ارزشیابی و امتحانات با مفهوم خود کنترلی آشنا کرده و از دیگر کنترلی جلوگیری شود؛ زیرا تعلیم و تربیت به دنبال آن است که درون افراد محافظ و مراقبی به نام تقوا ایجاد کند تا انسان به وسیله آن کنترل شود.

¹.self-esteem

- در حیطه مواد درسی و محتوای آموزشی نیز باید مهارت‌های لازم یک زندگی اجتماعی عزتمند و تقویت کننده کرامت مانند تناسب و ارتباطات مثبت لحاظ گردد .
- روشهای آزاد منبانه به مسائل روانشناختی و مراحل تحول و رشد انسان کمک می کند، به حساب نیاوردن دانش آموزان به منزله در نظر نگرفتن احساسات و غیر فعال گذاردن ذهن و توان فکری آنان است .
- کاربرد تربیت کریمانه در ایجاد بینش اخلاقی و اعتقادی که از دغدغه‌های نظام آموزشی است و هم چنین ایجاد یک نظام خود کنترلی و انضباط درونی در زندگی فردی و اجتماعی می تواند تاثیر گذار باشد .



منابع و مأخذ:

- آمدی، عبدالوهاب (۱۳۳۷-۱۳۳۵). *غررالکلم و دررالکلم*، تهران: موسسه انصاریان.
- ابن ابی الحدید (۱۳۸۳ ه ق/۱۹۶۷ م). *شرح نهج البلاغه*، ج ۱۷. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد ابن مکرم (۱۳۶۳). *لسان العرب*، ج ۱۲، لادب الحوره.
- احمد بن ابی یعقوب (۱۳۹۰ ه ق/۱۹۷۰). *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، بیروت: دار صادر.
- برازش، علیرضا (۱۳۷۶). *مستدرک الوسائل*، ج ۱۱، تهران: موسسه انصاریان
- راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد (۱۴۱۲ ق م). *المفردات الفاظ القرآن*: دار الشامیه.
- رجبی، محمود (۱۳۸۵). *انسان شناسی*، قم: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۰). *دانشنامه امام علی*، تهران، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۴). *آسیب شناسی شخصیت و کرامت انسان، پژوهش دینی*، سال اول، شماره سوم.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۳). *المیزان، فی التفسیر القران (فارسی)*، قم: انتشارات جامعه مدرسین دفتر انتشارات اسلامی.
- فیض الاسلام، علینقی (۱۳۲۶). *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، نشر فیض الاسلام.
- کارگزار (یعقوبی)، ابوالقاسم (۱۳۸۷). *خودی در اخلاق از نگاه شهید مطهری*، منبع الکترونیکی سایت تبیان.
- مجلسی، محمد باقر ابن محمد تقی (۱۳۸۳). *بحار النوار*، قم: بوستان کتاب.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۳). **میزان الحکمه**، قم: مرکز نشر مکتب العلام
الاسلامی (دفتر تبلیغات اسلامی).

مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۶). **فلسفه اخلاق**، تهران: انتشارات صدرا.

